

ثبات یا تغییر اصطلاحات خویشاوندی در اثر تماس زبانی: مطالعه موردی در چند روستای دوزبانه خراسان دهه ۵۰

پونه مصطفوی^{۱*}، فریار اخلاقی^۲

۱. استادیار پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

۲. استادیار پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

چکیده

در این پژوهش تأثیر تماس زبانی در قرض‌گیری اصطلاحات خویشاوندی در چند روستای دوزبانه خراسان دهه ۵۰ بررسی می‌شود. داده‌های زبانی پژوهش از بخش واژگان پرسشنامه اطلس زبانی ایران استخراج شده‌اند که در پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری در حال تدوین است. داده‌های زبانی ۹ آبادی دو زبانه در بخش احمدآباد شهرستان مشهد مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. در هر یک از این آبادی‌ها، یکی از زبان‌های ترکی، بلوچی، عربی و ترکمنی در کنار زبان فارسی رایج است. پیکره پژوهش ۱۵۳ واژه دارد و از تجمیع معادل‌های گویشی ۱۷ اصطلاح خویشاوندی موجود در پرسشنامه در چهار زبان مورد بررسی به دست آمده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد بر خلاف نظر عمده پژوهش‌گران پیشین، در آبادی‌های مورد مطالعه قرض‌گیری در حوزه اصطلاحات خویشاوندی نیز صورت می‌گیرد. میزان قرض‌گیری در این اصطلاحات در تماس هر یک از زبان‌های مورد اشاره با فارسی متفاوت ولی جهت آن همواره از فارسی به هر یک از زبان‌های مورد بررسی بوده است. علاوه بر این، نتایج تحلیل داده‌ها از نظر ساخت‌وازی و معنایی نشان می‌دهند که میزان قرض‌گیری اصطلاحات خویشاوندی بسیط نسبت به مرکب بیشتر و از لحاظ طبقه‌بندی سببی/نسبی، قرض‌گیری اصطلاحات خویشاوندی سببی بیش از نسبی است. همچنین از نظر طبقه‌بندی این اصطلاحات به درجه یک/ دو میزان قرض‌گیری درجه دو بیش از درجه یک است. در بین چهار زبان ترکی، بلوچی، عربی و ترکمنی، زبان ترکی بیش‌ترین و زبان ترکمنی کم‌ترین میزان قرض‌گیری را نشان می‌دهد. در دو زبان عربی و بلوچی میزان قرض‌گیری در واژگان خویشاوندی در حد میانه این دو و تقریباً به میزان مشابه است.

واژه‌های کلیدی:

تماس زبانی
قرض‌گیری واژگانی
اصطلاحات
خویشاوندی
آبادی دوزبانه
خراسان دهه ۵۰

تاریخچه مقاله:

دریافت: ۱۰ آذرماه ۱۴۰۱

پذیرش: ۱۰ اسفندماه ۱۴۰۱

* آدرس ایمیل نویسنده: p.mostafavi@richt.ir

۱. مقدمه

تماس زبانی را یکی از دلایل تغییر زبان‌ها می‌دانند و فرایند قرض‌گیری در شرایط خاص تماس زبان‌ها صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر، فرایند قرض‌گیری یکی از بارزترین تجلی‌های پدیدهٔ تماس زبان‌ها است. زمانی که سخنگویان زبان‌های مختلف با یکدیگر در تماس قرار می‌گیرند، نوعی سازگاری بین گفتارهای‌شان ایجاد می‌شود (وینفورد^۱، ۲۰۰۳: ۲). به لحاظ سنتی مفهوم قرض‌گیری با قرض‌گیری واژگانی تعریف شده است (کاپوز^۲، ۱۹۹۷: ۸۷).

به اعتقاد ترفرس-دالر^۳ (۲۰۱۰) تعریف فرایند قرض‌گیری آسان نیست زیرا محققان تعریف‌ها و اصطلاحات متنوعی را برای آن به کار برده‌اند. اما با این حال او تعریفی را که توماسون^۴ و کافمن^۵ (۱۹۸۸: ۳۷) در مورد این پدیده ارائه کرده‌اند، یکی از بهترین تعریف‌ها در دهه‌های گذشته می‌داند. آن‌ها فرایند قرض‌گیری را به این صورت تعریف می‌کنند «قرض‌گیری تلفیق ویژگی‌های زبان خارجی با زبان بومی توسط سخنگویان آن زبان است: زبان بومی حفظ می‌شود اما با اضافه‌شدن ویژگی‌های تلفیق شده تغییر می‌کند». سایر دانشمندان مانند هاگن^۶ (۱۹۵۰)، واینرایش^۷ (۱۹۵۳)، ون کتسم^۸ (۱۹۸۸)، کلاین^۹ (۲۰۰۳؛ ۱۹۶۷) و یوهانسون^{۱۰} (۱۹۹۳) نیز تعاریفی از فرایند قرض‌گیری ارائه کرده‌اند که برخی از آن‌ها نزدیک به تعریف توماسون و کافمن (۱۹۸۸) است و بعضی دیگر این گونه نیست. در این میان پاره‌ای از دانشمندان از اصطلاحات دیگری همچون «انتقال»^{۱۱} و «گرت‌برداری رمز»^{۱۲} به جای اصطلاح قرض‌گیری استفاده کرده‌اند. از طرفی هم افرادی مانند پاپلاک^{۱۳} (۱۹۸۰)، پاپلاک و میچان^{۱۴} (۱۹۵۵) و گروسجین^{۱۵} (۱۹۹۷؛ ۱۹۹۵؛ ۱۹۸۸) معتقدند که باید اصطلاح «قرض‌گیری» را از سایر اصطلاحات این حوزه مانند «انتقال» و «رمزگردانی»^{۱۶} جدا کرد زیرا این اصطلاحات برای اشاره به پیامدهای دیگری از فرایند تماس زبان‌ها به کار می‌روند (ترفرس-دالر، ۲۰۱۰).

¹ D. Winford

² J.G. Capuz

³ J. Treffers-Daller

⁴ S.G. Thomason

⁵ T. Kaufman

⁶ E. Haugen,

⁷ U. Weinrich

⁸ F. Van Coetsem

⁹ M. Clyne

¹⁰ L. Johanson

¹¹ transference

¹² code-copying

¹³ S. Poplack

¹⁴ M. Meechan

¹⁵ F. Grosjean

¹⁶ code-switching

به هر حال فرایند قرض‌گیری در زبان‌ها به انتقال عناصر زبانی یا گرت‌برداری از یک زبان به زبان دیگر منجر می‌شود. در تماس زبانی، قرض‌گیری واژگانی نقش اساسی دارد و بیش‌تر از قرض‌گیری نحوی و واجی رخ می‌دهد. در واقع واژه‌ها اولین عناصر زبانی هستند که وارد نظام زبان پذیرنده می‌شوند. به باور واین‌رایش (۱۹۵۳: ۵۶) از آن‌جایی که واژه‌ها در یک زبان به لحاظ ساختاری سست‌تر از دستور و واج‌شناسی در آن زبان هستند، احتمال وام‌گیری آن‌ها بیش‌تر است. اما در حالتی که تماس زبان‌ها طولانی مدت و با فشار بیش‌تری از سوی سخنگویان زبان اعطاکننده به سخنگویان زبان پذیرنده صورت گیرد، و دوزبانگی در یک جامعه زبانی مدت زیادی طول بکشد، در آن صورت قرض‌گیری‌های نحوی و واجی نیز رخ خواهد داد (توماسون و کافمن، ۱۹۸۸: ۳۷).

برخی زبان‌شناسان برای قرض‌گیری عناصر در زبان‌ها در شرایط تماس زبانی، به وجود سلسله‌مراتب قائل هستند. به عنوان مثال توماسون و کافمن (۱۹۸۸) سطوح مختلفی از شرایط تماس زبان‌ها را نشان می‌دهند که در آن‌ها عناصر متفاوت قرض‌گیری می‌شوند. در بخش مبانی نظری پژوهش به این سلسله‌مراتب پرداخته می‌شود. در این شرایط نیز تأثیر قرض‌گیری در تمامی حوزه‌های زبان به یک اندازه نیست. یافته‌های مربوط به پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهند که حوزه واژگان بیش‌تر از سایر حوزه‌ها و سریع‌تر از آن‌ها از تماس زبانی تأثیر می‌پذیرد. در میان واژه‌ها نیز قرض‌گیری با سرعت و سهولت یکسان صورت نمی‌گیرد. به عنوان مثال قرض‌گیری در واژگان پایه [یا مطابق با تعریف سوادش^۱ (۱۹۵۲)] واژگان هسته‌ای زبان [یا اتفاق نمی‌افتد و یا از لحاظ زمانی دیرتر از فرایند قرض‌گیری در واژگان غیرپایه^۲ [سایر واژگان زبان] رخ می‌دهد. به گفته هاک^۳ و جوزف^۴ (۱۹۹۶: ۲۵۷) معمولاً واژگان پایه در مقابل پدیده قرض‌گیری مقاومت می‌کنند.

اسکاتن^۵ (۲۰۰۲: ۲۴۰) بر این باور است که در بین واژه‌ها، اسامی آسان‌تر از افعال قرض‌گیری می‌شوند. وی این موضوع را در چارچوب نظری مورد استفاده خود چنین تبیین می‌کند که اسم‌ها نقش تنابیی می‌گیرند و ساختار جمله را به قسمت‌های جداگانه تقسیم نمی‌کنند. در صورتی که افعال خود اعطاکننده نقش‌های تنابیی هستند و سایر عناصر جمله را نیز حاکمیت می‌کنند. توجه به این نکته نیز حائز اهمیت است که فرهنگ‌های گوناگون رفتارها و عکس‌العمل‌های مختلفی نسبت به فرایند قرض‌گیری از خود نشان می‌دهند. به عنوان مثال، در برخی از فرهنگ‌ها موضوع خلوص زبان بسیار اهمیت دارد. در این گونه فرهنگ‌ها واژه‌های قرضی بسیار اندکی در زبان یافت می‌شود (هسپلمت^۶، ۲۰۰۸: ۵۲).

¹ M. Swadesh

² nonbasic

³ H. H. Hock

⁴ B.D. Joseph

⁵ C. Myers-Scotton

⁶ M. Hasplmath

در مطالعه پیش رو، تأثیر تماس زبانی در قرض‌گیری اصطلاحات خویشاوندی که یکی از مقوله‌های مربوط به واژگان پایه است، در چند روستای دوزبانه خراسان دهه ۵۰ بررسی می‌شود. داده‌های زبانی پژوهش از بخش واژگان پرسشنامه اطلس زبانی ایران استخراج شده‌اند که در پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری در حال تدوین است. پرسشنامه اطلس مشتمل بر ۱۰۵ واژه و عبارت و ۳۶ جمله است. این داده‌های زبانی در قالب طرح فرهنگساز^۱ (که اکنون فاز نخست اطلس زبانی ایران در نظر گرفته می‌شود) گردآوری شده‌اند و شامل داده‌های ۹ آبادی دو زبانه در بخش احمدآباد شهرستان مشهد هستند. گردآوری داده‌ها به صورت مصاحبه میدانی و رو در رو با گویشوران و ضبط صدای آن‌ها انجام شده است. در هر یک از آبادی‌های مورد مطالعه یکی از زبان‌های ترکی، بلوچی، عربی و ترکمنی در کنار زبان فارسی رایج است. پیکره پژوهش شامل ۱۵۳ واژه است که از تجمیع معادل‌های گویشی ۱۷ اصطلاح خویشاوندی موجود در پرسشنامه در چهار زبان مورد بررسی به دست آمده است.

اصطلاحات خویشاوندی به واژگان یا عباراتی اشاره دارند که فرد برای مخاطب قرار دادن یا صحبت درباره افرادی به کار می‌برد که با آن‌ها پیوند نسبی یا سببی دارد. نظام خویشاوندی هر جامعه در اصطلاحات خویشاوندی آن منعکس می‌شود و این یکی از دلایل علاقه مردم‌شناسان و زبان‌شناسان به مطالعه اصطلاحات خویشاوندی است (بیتس^۲ و پلاگ^۳: ۱۳۷۵: ۴۸۰). این اصطلاحات در هر زبان، پیشینه و ساختار فرهنگی، اجتماعی و تاریخی آن جامعه زبانی را بازتاب می‌دهند و شاید به همین دلیل است که زبان در برابر نفوذ عناصر زبان‌های دیگر به این بخش از گنجینه واژگانی خود تا حد زیادی مقاومت می‌کند. می‌توان قرض‌گیری اصطلاحات خویشاوندی را به ویژه در آن دسته از مفاهیمی که در نظام خویشاوندی زبان قرض‌گیرنده وجود نداشته‌اند، نتیجه رخداد تحولی عمیق در شرایط فرهنگی و اجتماعی جامعه زبانی دانست.

با توجه به نکات و موارد شرح داده شده، مطالعه پیش رو به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد که آیا واژگان پایه در شرایط تماس زبانی قرض‌گیری می‌شوند؛ آیا میزان قرض‌گیری به لحاظ آماری در همه ۹ آبادی دو زبانه مورد مطالعه که در آن‌ها زبان‌های مختلف شامل ترکی، بلوچی، عربی و ترکمنی در تماس با فارسی هستند، یکسان است و میزان قرض‌گیری اصطلاحات خویشاوندی از لحاظ ساختار وازی (بسیط یا مرکب بودن اصطلاح) و معنایی (نسبی یا سببی بودن و درجه یک یا دو بودن روابط خویشاوندی) چگونه است. این پژوهش علاوه بر بخش مقدمه، شامل بخش‌های پیشینه، مبانی نظری، روش پژوهش، تحلیل داده‌ها و بحث و نتیجه‌گیری است.

^۱ «فرهنگساز» نام طرحی است که به منظور شناسایی گوناگونی زبانی مناطق روستایی ایران به طور مشترک از سوی فرهنگستان زبان و سازمان جغرافیایی ارتش در فاصله سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۵۳ به اجرا درآمد و نیمه تمام باقی ماند.

^۲ D.G. Bates

^۳ F. Plog

۲. پیشینه پژوهش

به نظر هاگن^۱ (۱۹۵۰: ۲۱۵-۲۱۴) سه نوع قرض‌گیری واژگانی از جمله واژه قرضی^۲، آمیزه قرضی^۳ و تغییر قرضی^۴ وجود دارد. در واژه قرضی، صورت و معنا هر دو منتقل می‌شوند؛ در آمیزه قرضی تنها یک بخش از واژه منتقل می‌شود و بخش دیگر به صورت واژه بومی باقی می‌ماند و در تغییر قرضی فقط معنا از زبان دیگر کپی می‌شود و عناصر از خود زبان بومی هستند. در فرایند قرض‌گیری واژگانی، زبانی که واژه‌های قرضی را می‌گیرد، زبان پذیرنده^۵ و زبانی که نقش منبع واژه‌های قرضی را ایفا می‌کند، زبان اعطاکننده^۶ نامیده می‌شود.

علی‌زاده (۱۳۸۲) پدیده قرض‌گیری را در زبان بررسی می‌کند. وی به قرض‌گیری در سطح واژگان و عوامل مؤثر در آن اشاره می‌کند و شرح عواملی چون نیاز و ضرورت استفاده از واژه‌های قرضی، تداخل و روابط مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بین جوامع انسانی می‌پردازد. او همچنین انواع قرض‌گیری واژگانی را نام می‌برد و آن‌ها را تعریف می‌کند. صفوی (۱۳۷۴) به بررسی و طبقه‌بندی انواع واژه‌های قرضی در زبان فارسی می‌پردازد. او برای بررسی این موضوع به ویژگی اجتماعی زبان و مسئله تماس زبان‌ها و قرض‌گیری واژگان در شرایط گوناگون اشاره می‌کند. در این مطالعه، عوامل بیرونی و درونی دلیل قرض‌گیری واژه‌ها تلقی می‌شوند. سپس انواع واژه‌های قرضی طبقه‌بندی می‌شوند. در نهایت نتیجه‌گیری می‌شود که حساسیت و مقاومت در مقابل واژه‌های قرضی از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است و هر جامعه‌ای واکنش خاص خود را دارد. در برخی جوامع مثل جامعه عرب‌زبان‌ها واژه‌های قرضی را در قالب تصریفی زبان خود می‌ریزند. هندی‌ها حتی از به کار بردن جمله‌های انگلیسی در زبان خود باکی ندارند. این احتمال نیز وجود دارد که جوامع در برابر قرض‌گیری در دوره‌های تاریخی متفاوت واکنش‌های مختلفی داشته باشند.

ذوالفقاری (۱۳۸۱) واژه‌های قرضی [وام‌واژه‌های] انگلیسی موجود در گویش‌های سه شهر اهواز، آبادان و مسجد سلیمان را گردآوری کرده است. به گفته او گاهی چنان است که گویشوران از قرض‌بودن واژه‌هایی که در گفتار خود به کار می‌برند، اطلاع ندارند و گمان می‌برند که محلی هستند. ذوالفقاری این واژه‌ها را در قالب جدول‌هایی در جستار خود ارائه می‌کند.

¹ E. Haugen

² loan word

³ loan blend

⁴ loan shift

⁵ recipient language

⁶ donor language

در قرن نوزدهم دانشمندانی همچون مولر^۱ (۱۸۷۵)، پاول^۲ (۱۸۸۶)، اشمیت^۳ (۱۸۷۲) و شوکارت^۴ (۱۸۸۴) به پژوهش در مورد تماس زبانی پرداخته‌اند (کلاین، ۱۹۸۷: ۴۵۳). در قرن بیستم نیز ساپیر^۵ (۱۹۲۱) و بلومفیلد^۶ (۱۹۳۳) و سایر ساختارگراها به موضوع تماس زبان‌ها اشاره کردند. در این زمان، زبان‌شناسان به مسئله تماس زبانی از منظر زبان‌شناسی تاریخی و زبان‌شناسی اجتماعی پرداختند و پاره‌ای از آن‌ها نیز بر نقاط جغرافیایی خاصی از تماس زبانی متمرکز شدند. اما مطالعات جدید در این مورد به پژوهش‌های واین‌رایش (۱۹۵۳) و هاگن (۱۹۵۰؛ ۱۹۵۳) مربوط می‌شود. آن‌ها موضوع تماس زبانی را از دیدگاه‌های زبان‌شناختی، اجتماعی- فرهنگی و روان‌شناختی بررسی کرده‌اند. پژوهش واین‌رایش (۱۹۵۳) اهمیت تماس زبانی را در تغییرات زبان توضیح می‌دهد (توماسون، ۲۰۰۶: ۳۴۰). اما مطالعات سال ۱۹۸۸ توماسون و کافمن انگیزه‌ای بسیار قوی برای پژوهشگران ایجاد کرد تا در مورد موضوع تماس زبانی پژوهش کنند. این دو از رده‌شناسی به عنوان چارچوب نظری برای بررسی پیامدهای تماس زبانی بهره بردند (وینفورد، ۲۰۰۳: ۶-۹).

عده‌ای از دانشمندان بر این باورند که تماس زبانی تنها منبع تغییرات در زبان‌ها است. پاره‌ای دیگر نیز معتقدند که تماس زبانی فقط عامل تغییرات واژگانی است و بر تغییرات نحوی اثر بسیار اندکی دارد. ماتراس^۷ (۲۰۰۹: ۱۴۹) بر این باور است که خلاءهای ساختاری در زبان پذیرنده و اعتبار زبان اعطاکننده دو انگیزه پربسامد برای قرض‌گیری‌های ساختاری هستند. وینفورد (۲۰۰۳: ۱۱-۲۲) نیز اعتقاد دارد شرایط سه‌گانه‌ای برای تماس زبانی وجود دارند که منجر به سه پدیده زبانی مختلف می‌شوند: ۱. حفظ زبان ۲. تغییر زبان و ۳. ایجاد زبان‌های جدید. در نوع اول یعنی حفظ زبان، سخنگویان زبان خود را حفظ می‌کنند اما در واژگان و ساختار زبان آن‌ها به دلیل تماس با زبانی دیگر، تغییر ایجاد می‌شود. بنابراین گسترش ساختاری^۸ و رمزگردانی^۹ حاصل این نوع تماس زبانی است. در نوع دوم، تماس بین گروه‌های زبانی مختلف به صورت کامل یا ناقص منجر به تغییر زبان می‌شود. نتیجه حاصل از نوع سوم از شرایط تماس زبانی، به وجود آمدن زبان‌های آمیخته^{۱۰}، آمیخته مادری^{۱۱} و دو زبانیگی آمیخته است.

¹ F. M. Müller

² H. Paul

³ J. Schmidt

⁴ H. Schuchardt

⁵ E. Sapir

⁶ L. Bloomfield

⁷ Y. Matras

⁸ structural diffusion

⁹ code-switching

¹⁰ pidgin

¹¹ creole

فیلپولا^۱ (۲۰۰۸: ۲۵۴) پیش‌بینی می‌کند که حفظ دو (یا چند) زبان، به خصوص در شرایطی که مدت زمان تماس زبانی، طولانی و شدت آن زیاد باشد، معمولاً به قرض‌گیری واژگانی در حجم بالا منجر می‌شود. با وجودی که هر دو عامل زبانی و اجتماعی در تعیین نتایج حاصل از تماس زبانی اهمیت دارند، باید اشاره کرد که عوامل اجتماعی نسبت به عوامل زبانی در پیش‌بینی نتایج حاصل از این پدیده اهمیت بیشتری دارند. به باور توماسون (۲۰۰۶: ۳۴۵) بدون توجه به تفاوت‌های رده‌شناختی بین دو زبان، زمانی که آن دو زبان مدت زمانی طولانی با هم در تماس باشند و شدت این تماس زیاد باشد، هر گونه ویژگی زبانی می‌تواند از یک زبان به زبان دیگر منتقل شود. نوع شرایط اجتماعی-تاریخی در موقعیت‌های تماس زبانی نیز می‌تواند بر چگونگی تأثیر یک زبان بر زبان دیگر مؤثر باشد (فیلپولا و همکاران، ۲۰۰۸: ۲).

اصطلاحات خویشاوندی از گذشته تا به امروز، کانون پژوهش‌های زیادی بوده‌اند. به عنوان مثال کریستال^۲ (۲۰۰۸: ۲۶۱) آن‌ها را این‌گونه تعریف می‌کند «اصطلاحات خویشاوندی مجموعه‌ای از اجزای واژگانی کلی و جزئی^۳ است که به منظور بیان روابط شخصی در یک خانواده استفاده می‌شوند». اصطلاحات خویشاوندی همانند دیگر کلمات از طریق رابطه صورت و معنا مفهوم پیدا می‌کنند. یکی از نخستین تلاش‌های روشمند در مطالعه این حوزه توسط لوییس هنری مورگان^۴ (۱۸۷۱) صورت گرفت که مبتنی بر بررسی «روابط نسبی و سببی» بر اساس سه مفهوم اصلی «خون»، «خانواده» و «ازدواج» در جوامع انسانی بود. وی اصطلاحات خویشاوندی را بر اساس کاربرد، به شش گروه تقسیم کرد.

مورداک^۵ (۱۹۴۹) به منظور بررسی اصطلاحات خویشاوندی خانواده اول فرد (خانواده‌ای که فرد در آن به دنیا می‌آید) و خانواده دوم او (که فرد از طریق ازدواج تشکیل می‌دهد) را ملاک طبقه‌بندی قرار داد. او شیوه استفاده، ساخت زبانی (ساده، مرکب، اشتقاقی) و گستره کاربرد اصطلاحات خویشاوندی را بررسی کرد. مورداک در دسته‌بندی اصطلاحات خویشاوندی به دو گروه خویشاوندان درجه یک و خویشاوندان درجه دو اشاره می‌کند. خویشاوندان درجه یک شامل پدر، مادر، برادر، خواهر، همسر و فرزند هستند. خویشاوندان درجه دو شامل بستگان دیگر فرد می‌شوند که به درجات دیگری با او پیوند خویشاوندی دارند.

بوسمان^۶ (۱۹۹۸) اصطلاحات خویشاوندی را با تحلیل مؤلفه‌ای مرتبط می‌داند. پریکلیف^۷ (۲۰۱۳) نیز اصطلاحات خویشاوندی را از منظر تحلیل مؤلفه‌ای بررسی می‌کند. وی با ارائه جدول، مؤلفه‌های معنایی را در اصطلاحات خویشاوندی زبان بلغاری و نیز تعدادی زبان دیگر، از جمله زبان فارسی، تحلیل و بررسی می‌کند. هر

¹ M. Filppula

² D. Crystal

³ narrow and extended senses

⁴ L. H. Morgan

⁵ G. P. Murdock

⁶ H. Bussmann

⁷ V. Pericliev

یک از دو مؤلف تقسیم‌بندی متفاوتی از مؤلفه‌های معنایی اصطلاحات خویشاوندی ارائه می‌کنند اما برخی از مؤلفه‌هایی که هر دو با مقوله اصطلاحات خویشاوندی مرتبط دانسته‌اند عبارتند از هم‌نسل بودن، جنسیت، خویشاوندی سببی و نسبی، فاصله نسلی، هم‌جنس بودن یا ناهم‌جنس بودن و خانه (عضو یک خانه بودن یا نبودن).

۳. مبانی نظری پژوهش

در پژوهش حاضر آثاری چون توماسون (۲۰۰۱ و ۲۰۰۶)، توماسون و کافمن (۱۹۸۸) برای تحلیل‌های مربوط به قرض‌گیری و تماس زبانی به عنوان مبانی نظری انتخاب شده‌اند. از سوی دیگر برای تحلیل‌های ساختاری اثر بیتس و پلاگ (۱۳۷۵) و برای تحلیل‌های معنایی آثار مورداک (۱۹۴۹) و پریکلیم (۲۰۱۳) مبانی نظری پژوهش را تشکیل می‌دهند. توماسون (۲۰۰۱: ۱۰) بر این باور است که معمول‌ترین نتیجه تماس زبانی، تغییر زبان‌ها به طور کلی یا جزئی است. او معتقد است که در این حالت حداقل یکی از زبان‌ها بر دیگری تأثیر می‌گذارد و این اثر معمولاً به صورت قرض‌گیری واژگانی تظاهر پیدا می‌کند (توماسون، ۲۰۰۱: ۱۲). اما همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، قرض‌گیری عموماً در واژگان غیرپایه رخ می‌دهد و در واژگان پایه به سهولت اتفاق نمی‌افتد. ذکر این نکته ضروری است که در منابع موجود تعریفی از واژگان پایه ارائه نشده و برای روشن شدن مفهوم به فهرست واژگان پایه سوادش (۱۹۵۲) ارجاع داده شده است (مراجعه شود به توماسون و کافمن، ۱۹۸۸). به اعتقاد سوادش (۱۹۵۲) واژگان پایه، واژه‌های هسته‌ای هستند که در برابر قرض‌گیری مقاومت می‌کنند. این واژگان مفهومی عام دارند. واژه‌های مربوط به اعضای بدن، خویشاوندان، فعالیت‌های بدنی، ضمائر، کلمات پرسشی، واژه‌های مربوط به طبیعت و جغرافیا از جمله واژگان پایه محسوب می‌شوند. ماتراس (۲۰۰۹: ۱۶۶) معتقد است که چون واژگان پایه در جوامع انسانی مرسوم هستند، نیازی به قرض‌گیری آن‌ها از زبان‌های هم‌جوار نیست. توماسون (۲۰۱۰: ۳۶) نیز بر این باور است که در زبان پذیرنده، تأثیرات عمده بر روی عناصر واژگانی غیرپایه است، اما اگر شرایط تماس زبانی به گونه‌ای با شدت بیش‌تری باشد، احتمال قرض‌گیری عناصر ساختاری و واژگان پایه نیز بیش‌تر می‌شود. سطوح مختلفی برای شرایط فرایند تماس زبانی وجود دارد که در آن‌ها قرض‌گیری رخ می‌دهد. توماسون و کافمن (۱۹۸۸: ۷۴-۷۷) معتقدند که پنج مرحله شدت در شرایط تماس زبانی وجود دارد که البته مرزبندی مشخصی نمی‌توان بین این مراحل مختلف انجام داد:

۱. تماس زبانی اتفاقی^۱

۲. تماس زبانی با شدت کم

۳. تماس زبانی با شدت زیاد

¹ casual contact

۴. فشار فرهنگی شدید

۵. فشار فرهنگی بسیار شدید

مرحله اول به شرایطی اشاره دارد که در آن کم‌ترین فشار فرهنگی وجود دارد. توماسون و کافمن (۱۹۸۸: ۷۷) در این مرحله تنها انتظار قرض‌گیری واژگانی (واژگان غیرپایه) دارند. در مرحله دوم و سوم واژه‌های نقشی مانند حروف ربط، جزء قیدی، حروف اضافه، ویژگی‌های فرعی واجی، نحوی، واژگانی و معنایی قرض‌گیری می‌شوند. علاوه بر این، وندهای اشتقاقی و تصریفی نیز ممکن است وارد زبان قرض‌گیرنده شوند. از مرحله سوم به بعد ضمائر شخصی و اشاره و اعداد کوچک که به واژگان پایه تعلق دارند از زبان اعطاکننده به زبان پذیرنده منتقل می‌شود. در مرحله فشار فرهنگی شدید، ویژگی‌های اصلی ساختاری قرض‌گیری می‌شوند که این پدیده منجر به تغییرات نسبتاً کم رده‌شناختی خواهد شد. بنابراین وندها و مقوله‌های تصریفی قرضی به واژگان زبان بومی اضافه می‌شوند. قرض‌گیری‌های واجی در این مرحله از مراحل قبلی بیشتر هستند. در مرحله فشار فرهنگی بسیار شدید یعنی مرحله پنجم، ویژگی‌های اصلی ساختاری قرض‌گیری می‌شوند و این نوع قرض‌گیری سبب تغییرات اساسی و مهم رده‌شناختی می‌شود. قواعد واژواجی^۱ به زبان قرض‌گیرنده اضافه می‌شود و تغییرات آوایی نیز ممکن است رخ دهد. در این شرایط حتی احتمال دارد ساخت‌واژه نیز از صورت تصریفی به پیوندی تغییر کند (توماسون و کافمن، ۱۹۸۸: ۷۴-۷۶). از سلسله مراحل فوق چنین برمی‌آید که هرچه شدت تماس زبان‌ها بیش‌تر باشد، ویژگی‌های زبانی بیش‌تری قرض‌گیری خواهد شد.

به گفته توماسون (۲۰۰۶: ۳۴۵) بر اساس نکاتی که ذکر شد موضوع قرض‌گیری واژگان غیرپایه پیش از واژگان پایه قابل پیش‌بینی است. همچنین می‌توان پیش‌بینی کرد که ساخت‌واژه اشتقاقی پیش از تصریفی در معرض قرض‌گیری قرار می‌گیرد. البته ذکر این نکته نیز ضروری است که گاهی در شرایط استثنایی خارج از مقیاس‌های فوق، قرض‌گیری اتفاق می‌افتد. علت آن نیز تشابهات نزدیک رده‌شناختی میان دو زبان منبع و دریافت‌کننده است که علی‌رغم شرایط تماس زبانی با شدت کم، قرض‌گیری را تسهیل می‌کند.

زبان‌شناسان نظرهای متفاوتی در مورد سلسله مراتب مربوط به پدیده قرض‌گیری دارند. مثلاً رومین^۲ (۱۹۹۵: ۶۴) ادعا دارد که ساخت‌واژه پیش از نحو در معرض قرض‌گیری قرار می‌گیرد، در حالی که توماسون و کافمن (۱۹۸۸: ۳۴۵) اعتقاد دارند که این ترتیب برعکس است. به باور بُدن^۳ (۲۰۰۵: ۶۲۱) اسم‌ها قابلیت قرض‌گیری بالاتری نسبت به سایر مقوله‌های زبانی دارند.

توماسون و کافمن (۱۹۸۸: ۷۷) مطالعاتی در زمینه «فشار فرهنگی» انجام داده‌اند. آن‌ها عقیده دارند که «فشار فرهنگی» ترکیبی از عوامل اجتماعی مانند اعتبار یا نیروهای اقتصادی است که قرض‌گیری را افزایش

¹ Morphophonemic rules

² S. Romaine

³ J. Bowden

می‌دهد و باعث استلزام در دوزبانگی می‌شود. توماسون (۲۰۰۶: ۳۴۴-۳۴۵) نیز اشاره می‌کند با این‌که عوامل زبانی در انتقال ویژگی‌های زبانی از یک زبان به زبان دیگر اهمیت دارند، اما عوامل اجتماعی در به ثمر رسیدن نتایج حاصل از تماس زبانی بر عوامل زبانی ارجحیت دارند و آن را تحت‌الشعاع قرار می‌دهند. به عنوان مثال تفاوت رده‌شناختی بین زبان اعطاکننده و پذیرنده بر گسترش و پراکندگی عناصر زبانی تأثیر دارد اما شرایط تماس زبانی با شدت زیاد به تنهایی برای انتقال ویژگی‌های زبانی از یک زبان به زبان دیگر کافی است و این موضوع بدون توجه به تفاوت‌ها و شباهت‌های رده‌شناختی بین دو زبان رخ می‌دهد. او همچنین معتقد است که در شرایط تماس زبانی شدید، تغییرات ناشی از تماس زبانی اجتناب‌ناپذیر است و از سوی دیگر نیز اضافه می‌کند که این فرضیه زیاد قابل اعتماد نیست زیرا جوامع دوزبان‌های نیز وجود دارند که اعضای آن‌ها درگیر قرض‌گیری واژگان نشده‌اند.

تقسیم‌بندی‌های مورداک (۱۹۴۹) و پریکلیف (۲۰۱۳) اصطلاحات خویشاوندی از نظر معنایی و ساخت‌واژی در بخش پیشینه پژوهش ذکر شده‌اند و از پرداختن به آن‌ها در این بخش چشم‌پوشی می‌شود.

۳-۱. روش پژوهش

پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. همان‌گونه که در بخش مقدمه اشاره شد، پیکره پژوهش برگرفته از داده‌های زبانی طبیعی موجود در پایگاه داده‌های سامانه اطلس زبانی ایران است. تعداد گویشوران در این پژوهش ۱۸ نفر است که بین ۲۰ تا ۶۵ سال سن دارند. یازده نفر از آن‌ها بی‌سواد و هفت نفر باسواد هستند. آن‌ها به کارهایی از قبیل فرش‌بافی، کشاورزی و دامداری مشغول می‌باشند. در پایگاه داده‌های اطلس زبانی ایران نمونه‌های صوتی از گویشوران زن نیز از برخی آبادی‌ها در دسترس است، اما در این پژوهش به طور اتفاقی همه گویشوران مرد هستند. البته این موضوع با توجه به هدف پژوهش حاضر مزیت محسوب می‌شود زیرا بدون دخالت عامل جنسیت، شرایط و زمینه یکسان‌تری را برای نتیجه‌گیری در خصوص میزان تأثیر زبان فارسی بر زبان‌های دیگری ایجاد می‌کند که همزمان در آبادی‌های مورد بررسی رایج هستند. برای انجام پژوهش، ابتدا از بین واژه‌ها و عبارتهای پرسشنامه، معادل‌های ترکی، بلوچی، عربی و ترکمنی، روابط خویشاوندی استخراج و سپس با الفبای آوانویسی IPA آوانویسی شدند و پس از آن تحلیل داده‌های موجود در پیکره پژوهش (مشتمل بر ۱۵۳ واژه) بر اساس مبانی نظری پژوهش صورت گرفت.

با توجه به محدودیت داده‌های مورد بررسی که صرفاً ۱۷ اصطلاح خویشاوندی را شامل می‌شود، در پژوهش حاضر از طبقه‌بندی ساده‌تری که در برخی منابع از جمله بیتس و پلاگ (۱۳۷۵) داده شده استفاده خواهد شد:

۱. خویشاوندان نسبی (هم‌خون): افرادی که ارتباط خونی با فرد دارند، مانند خواهر، برادر، پدر، مادر و ...

۲. خویشاوندان سببی: افرادی که از طریق ازدواج با فرد در ارتباط هستند، مانند عروس، داماد، جاری، باجناق و...

علاوه بر این، طبقه‌بندی خویشاوندان درجه یک و درجه دو از مورداک (۱۹۴۹) نیز در تحلیل داده‌ها بررسی شده‌اند.

از نظر ساخت زبانی نیز اصطلاحات خویشاوندی را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد:

۱. اصطلاحات خویشاوندی ساده یا بسیط: پدر، مادر، برادر، خواهر، داماد، عروس، دختر، پسر، عمه، دایی، خاله، عمو

۲. اصطلاحات خویشاوندی مرکب: پدربزرگ، مادربزرگ، زن‌دایی، زن‌عمو، شوهرخاله، دخترعمه، برادرزاده، پدرزن، مادرزن، برادرزن، خواهرزن، زن‌برادر، شوهرخواهر

۳. اصطلاحات خویشاوندی مشتق: نامادری، ناپدری

۴. تحلیل داده‌ها

از میان واژه‌ها و عبارتهای پرسشنامه اطلس زبانی ایران، ۱۷ واژه مربوط به اصطلاحات خویشاوندی استخراج شد. جدول (۱) این اصطلاحات را نشان می‌دهد

جدول ۱.

اصطلاحات مربوط به روابط خویشاوندی در پرسشنامه اطلس زبانی ایران

اصطلاحات خویشاوندی	اصطلاحات روابط خویشاوندی
عمه	۱ پدر
خاله	۲ مادر
زن	۳ برادر
شوهر	۴ خواهر
داماد	۵ پسر (فرزند)
عروس	۶ دختر (فرزند)
پدربزرگ (پدر پدر)	۷ بچه
پدربزرگ (پدر مادر)	۸ عمو
	۹ دایی

پیش از شروع تحلیل داده‌ها باید اشاره کرد که تأثیرات زبان‌ها بر یکدیگر ناگهانی و یک‌شبه اتفاق نمی‌افتد و قرض‌گیری‌های انجام شده در هر زبان می‌تواند مربوط به دوره‌های زمانی مختلف و تحت تأثیر شرایط اجتماعی گوناگون و تماس با زبان‌های مختلف رخ داده باشد. زبان فارسی نیز از این قاعده مستثنی نیست و واژه‌های خویشاوندی آن (موضوع بحث حاضر) برخی قرضی و حاصل تغییرات به وجود آمده در این زبان در طول زمان

هستند. در این جا برای پیش برد پژوهش و ایجاد امکان مقایسهٔ زبان‌های مورد بررسی با یکدیگر، تمامی اصطلاحات خویشاوندی که امروزه در زبان فارسی (معیار و محلی) کاربرد دارند بدون توجه به ریشهٔ آن‌ها، «فارسی» در نظر گرفته شده‌اند. معادل‌های گویشی اصطلاحات خویشاوندی نیز تنها در صورت یکسان بودن صورت تلفظی آن‌ها با آن چه در زبان فارسی رایج است، قرض گرفته از فارسی به شمار می‌روند. این امر به استثنای تحول واژهٔ پایانی /Q/ به /c/ است که همان گونه که می‌دانیم در گونه‌های جغرافیای زبان فارسی مراحل تحولی متفاوتی را طی می‌کند و از این رو تفاوت تلفظی در نظر گرفته نشده است.

در بخش‌های (۴-۱) تا (۴-۴) به بررسی تماس هر یک از زبان‌های ترکی، عربی، بلوچی و ترکمنی با زبان فارسی و وضعیت قرض‌گیری اصطلاحات خویشاوندی به طور جداگانه پرداخته می‌شود. در هر بخش واژه‌ها و عبارات‌های فارسی اصطلاحات به همراه معادل‌های آن‌ها در زبان‌های مورد بررسی در جدول‌های مجزا نشان داده می‌شوند.

۴-۱. بررسی تماس زبان‌های ترکی و فارسی در آبادی‌های دوزبانه و وضعیت قرض‌گیری اصطلاحات خویشاوندی

همان گونه که در جدول (۴-۲) نشان داده می‌شود، در هر یک از سه آبادی دوزبانهٔ ترکی-فارسی در این منطقه تعداد ۱۰ اصطلاح از ۱۷ اصطلاح قرض گرفته شده‌اند. مک‌ماهون^۱ (۱۹۹۴: ۲۰۴) معتقد است که زبان‌های غیرمرتبط از لحاظ خویشاوندی با احتمال کم‌تری از یک‌دیگر قرض‌گیری می‌کنند. اما مشاهده می‌شود که دو زبان ترکی و فارسی که به لحاظ رده‌شناختی با هم غیرمرتبط هستند، در اثر تماس طولانی مدت از هم قرض‌گیری کرده‌اند. پس در این جا عوامل اجتماعی بر عوامل زبانی مقدم بوده‌اند و در نتیجهٔ تماس زبانی پدیدهٔ قرض‌گیری رخ داده است.

همان گونه که پیش‌تر گفته شد، با استناد به باور ماتراس (۲۰۰۹: ۱۶۶)، از آن جایی که برخی مفاهیم مثل روابط خویشاوندی در همهٔ جوامع بشری وجود دارند، لزومی به قرض‌گیری آن‌ها از زبان دیگر وجود ندارد. اما اطلاعات جدول (۴-۲) نشان می‌دهد که نه تنها در روابط خویشاوندی دور بلکه در روابط خویشاوندی نزدیک نیز قرض‌گیری مشاهده می‌شود. اصطلاحات قرض‌گیری شده همگی از نظر ساخت‌واژی بسیط هستند. از لحاظ معنایی نیز تعداد اصطلاحات خویشاوندی نسبی (۹ اصطلاح) نسبت به سببی (۲ اصطلاح) بیش‌تر است.

¹ A. McMahan

جدول ۲.

اصطلاحات خویشاوندی قرض‌گیری شده از فارسی در ترکی

تعداد واژه‌های قرض‌گیری شده	سایر اصطلاحات خویشاوندی	اصطلاحات خویشاوندی قرض‌گیری شده از فارسی	نام آبادی‌های دوزبانه ترکی-فارسی
۱۰ واژه از ۱۷ واژه		(عمه) `æmmæ (خاله) xalæ (داماد) damad (عروس) `ærus (پدربزرگ مادری / پدری) babu (پدر) baba (مادر) nænæ (بچه) bæʃæ ^۱ (عمو) `æmu (دایی) daji	جمران
۱۱ واژه از ۱۷ واژه	(برادر) dQdQ (خواهر) dQdQ (پسر) oʃlan (دختر) Gez (شوهر) Qr (زن) xaten	(دایی) daji (عمه) `æmmæ (خاله) xalæ (عروس) `ærus (داماد) damad (پدربزرگ مادری / پدری) babu (پدر) baba (مادر) nænæ (بچه) bæʃæ (عمو) `æmu	چَرَم
۱۰ واژه از ۱۷ واژه	(برادر) dQdQ (خواهر) dQdQ (پسر) oʃlan (دختر) Gez (شوهر) Qr (زن) xaten	(عمه) `æmmæ (خاله) xalæ (داماد) damad (عروس) `ærus (پدربزرگ مادری / پدری) babu (پدر) baba (مادر) nænæ (بچه) bæʃæ (عمو) `æmu (دایی) daji	ماه‌کاریز

^۱ این واژه در سرتاسر پژوهش حاضر به معنای «فرزند» و نه به معنای «انسان نابالغ» در نظر گرفته شده است.

۴-۲. بررسی تماس زبان‌های بلوچی و فارسی در آبادی‌های دوزبانه و وضعیت قرض‌گیری اصطلاحات خویشاوندی

در آبادی‌های دوزبانه بلوچی-فارسی میزان قرض‌گیری اصطلاحات خویشاوندی قابل توجه نیست و تنها در سه اصطلاح از ۱۷ اصطلاح قرض‌گیری از زبان فارسی صورت گرفته است. از نظر ساخت‌واژی، اصطلاحات قرض‌گیری شده ساده یا بسیط هستند. از نظر معنایی ۴ اصطلاح خویشاوندی نسبی و یک اصطلاح سببی است.

جدول ۳.

اصطلاحات خویشاوندی قرض‌گیری شده از فارسی در بلوچی

تعداد واژه‌های قرض‌گیری شده	سایر اصطلاحات خویشاوندی	اصطلاحات خویشاوندی قرض‌گیری شده از زبان فارسی	نام آبادی‌های دوزبانه بلوچی-فارسی
۴ واژه از ۱۷ واژه	pes (پدر) mas (مادر) bras (برادر) gar (خواهر) zag (پسر) dʒQnec (دختر) zag (بچه) naku (عمو) ʃu (شوهر) zamas (داماد) babu (پدربزرگ)	ʔæmmæ (عمه) xalæ (خاله) ʔQrus (عروس) xalu (دایی) ^۱	جره خشک
۳ واژه از ۱۷ واژه	pes (پدر) mas (مادر) bras (برادر) gar (خواهر) zag (پسر) dʒQnec (دختر) zag (بچه) naku (عمو) ʃuQr (شوهر) zamas (داماد) babu (پدربزرگ)	ʔæmmæ (عمه) Xalæ (خاله) ʔærus (عروس) xalu (دایی)	حسین آباد کلات
۲ واژه از ۱۷ واژه	pes (پدر) mas (مادر)	bætfæc (بچه) xalu (دایی)	قلعه‌نو

^۱ مطابق داده‌های اطلس زبانی ایران این واژه در گونه فارسی محلی خراسان دهه ۵۰ رایج بوده است.

تعداد واژه‌های قرض‌گیری شده	سایر اصطلاحات خویشاوندی	اصطلاحات خویشاوندی قرض‌گیری شده از زبان فارسی	نام آبادی‌های دوزبانهٔ بلوچی - فارسی
	bras (برادر)		
	goʔQr (خواهر)		
	zag (پسر)		
	dʒQnec (دختر)		
	zag (بچه)		
	naku (عمو)		
	туру (عمه)		
	туру (خاله)		
	fjuwQr (شوهر)		
	zamas (داماد)		
	nefQr (عروس)		
	piruc (پدربزرگ)		

۴-۳. بررسی تماس زبان‌های عربی و فارسی در آبادی‌های دوزبانه و وضعیت قرض‌گیری اصطلاحات خویشاوندی

از دو آبادی مورد بررسی دو زبانهٔ عربی و فارسی، قرض‌گیری اصطلاحات خویشاوندی در یک آبادی ۴ مورد و در دیگری ۳ مورد از ۱۷ مورد صورت گرفته است. در ارتباط با زبان عربی نیز موضوع قرض‌گیری در غیرمرتبط بودن زبان‌ها به لحاظ رده‌شناختی تسری دارد. همان‌طور که در بخش (۴-۱) در مورد زبان ترکی گفته شد، در این گونه موارد عوامل اجتماعی نسبت به عوامل زبانی در پدیدهٔ قرض‌گیری اهمیت بیش‌تری پیدا می‌کند. همان‌گونه که از اطلاعات جدول (۴-۴) نمایان است، در اصطلاحات روابط خویشاوندی که مربوط به روابط نزدیک خویشاوندی مانند پدر، مادر و غیره هستند، قرض‌گیری صورت نگرفته است. اصطلاحات قرض‌گیری شده همگی از لحاظ ساخت‌واژی ساده یا بسیط هستند. از لحاظ معنایی نیز در آبادی حسین‌آباد گزبند دو اصطلاح نسبی و دو اصطلاح سببی قرض‌گیری شده‌اند. در آبادی کمرزرد تعداد اصطلاحات نسبی قرض‌گیری شده بیش‌تر از اصطلاحات سببی است.

جدول ۴.

اصطلاحات خویشاوندی قرض‌گیری شده از فارسی در عربی

نام آبادی‌های دوزبانه عربی-فارسی	اصطلاحات خویشاوندی قرض‌گیری شده از فارسی	سایر اصطلاحات خویشاوندی	تعداد واژه‌های قرض‌گیری شده
حسین آباد گزبند	?Θμμæ (عمه) χαλε (خاله) ?Θρυσ (عروس) δαμαδ (داماد)	?obo (پدر) ?om (مادر) ?oxo (برادر) ?oxt (خواهر) vQled (پسر) bent (دختر) veled (بچه) ?Qm (عمو) xal (دایی) MQrQ (زن) dʒ: zo (شوهر) dʒQd (پدربزرگ پدری) dʒQddQ (پدربزرگ مادری)	۴ واژه از ۱۷ واژه
کمرزد	?Θμμæ (عمه) χαλε (خاله) ?Θρυσ (عروس)	?obo (پدر) ?om (مادر) ?oxo (برادر) ?oxt (خواهر) vold (پسر) bent (دختر) rezijQ (بچه) ?Qnt (عمو) xalte (دایی) moriti (زن) dʒ: zo (شوهر) bente (داماد) dʒQdde (پدربزرگ پدری) ome dʒQdde (پدربزرگ مادری)	۳ واژه از ۱۷ واژه

۴-۴. بررسی تماس زبان‌های ترکمنی و فارسی در آبادی‌های دوزبانه و وضعیت قرض‌گیری اصطلاحات

خویشاوندی

در منطقه مورد بررسی، تنها داده‌های زبانی یک آبادی دوزبانه ترکمنی-فارسی در پایگاه داده‌های اطلس زبانی ایران در دسترس است. در این آبادی تنها یک مورد قرض‌گیری در اصطلاحات روابط خویشاوندی نسبی

دیده می‌شود. دو زبان ترکمنی و فارسی از لحاظ رده‌شناختی دو زبان غیر مرتبط هستند و انتظار قرض‌گیری نیز در بین این دو زبان کم می‌شود. از آنجایی که میزان قرض‌گیری زیاد نیست می‌توان نتیجه گرفت که عوامل زبانی بر عوامل اجتماعی ارجحیت داشته‌اند. اصطلاح قرض‌گیری شده از لحاظ ساخت‌واژی بسیط است و از نظر معنایی از اصطلاحات نسبی به شمار می‌آید.

جدول ۵.

واژگان پایه قرض‌گیری شده از فارسی در ترکمنی

تعداد واژه‌های قرض‌گیری شده	سایر اصطلاحات خویشاوندی	اصطلاحات خویشاوندی قرض‌گیری شده از فارسی	نام آبادی‌های دوزبانه ترکمنی-فارسی
۱	واژه از ۱۷ واژه ata (پدر) ana (مادر) do_on (برادر) ajal do_on (خواهر) o_Ul (پسر) GiD (دختر) bQvBc (بچه) a_a (عمو) apa (عمه) dajDa (خاله) helej (زن) Qr (شوهر) gijBw (داماد) celin (عروس) bava (پدر بزرگ، پدری / مادری)	δαφι (دایی)	موسی آباد

۵. بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر پدیده قرض‌گیری اصطلاحات خویشاوندی در آبادی‌های دوزبانه منطقه‌ای از خراسان دهه ۵۰ بررسی شد. زبان‌های ترکی، بلوچی، عربی و ترکمنی در کنار زبان فارسی به عنوان زبان ملی و دارای اعتبار در ایران، در این آبادی‌ها رایج هستند. این آبادی‌ها در بخش احمدآباد شهرستان مشهد واقع شده‌اند. داده‌های زبانی از پایگاه داده‌های اطلس زبانی ایران استخراج شده‌اند. مصاحبه‌شوندگان همگی مرد هستند و بین ۲۰ تا ۶۵ سال سن دارند. اکثر آنان نیز باسواد هستند.

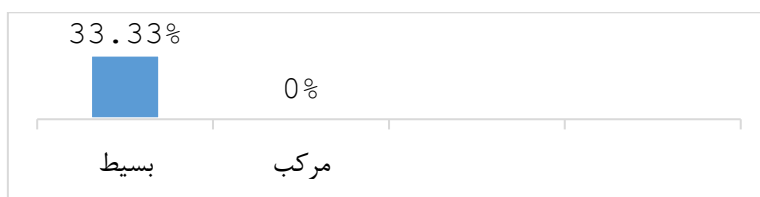
بسیاری از محققان اعتقاد دارند که به طور کلی قرض‌گیری در واژگان پایه در زبان‌ها صورت نمی‌گیرد یا تابع شرایط خاصی است. اما بررسی داده‌های این پژوهش از آبادی‌های دوزبانه مورد مطالعه نشان داد که بر خلاف

عقیده برخی از آن‌ها، فرایند قرض‌گیری در اصطلاحات خویشاوندی به عنوان یکی از انواع واژگان پایه در زبان‌ها رخ می‌دهد. البته روند قرض‌گیری در این گونه واژه‌ها با واژه‌های غیرپایه متفاوت است. قرض‌گیری در واژگان پایه برای پر کردن خلاء مفاهیم جدید در زبان‌ها صورت نمی‌گیرد. زبان پذیرنده عموماً معادل‌های این اصطلاحات قرضی را دارد اما سخنگویان آن زبان ترجیح می‌دهند که اصطلاحات زبان اعطاکننده را جایگزین معادل‌های موجود در زبان خود کنند.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که فرایند قرض‌گیری واژگانی در آبادی‌های مورد مطالعه در اصطلاحات خویشاوندی رخ داده، اما در تماس هر یک از زبان‌های مورد اشاره با فارسی میزان آن متفاوت بوده است. این در حالی است که یافته‌های برخی از پژوهش‌های پیشین حاکی از مقاومت واژگان پایه در برابر فرایند قرض‌گیری واژگانی است. همچنین تحلیل داده‌های پژوهش مؤید این موضوع است که زبان فارسی به عنوان زبان زبرین و غالب بر واژگان خویشاوندی در زبان‌های رایج در آبادی‌های مورد مطالعه تأثیر گذاشته و جهت قرض‌گیری واژگانی از سوی زبان فارسی به زبان‌های یاد شده بوده است. آبادی‌های دوزبانه و حتی چندزبانه با زبان فارسی در سرتاسر ایران وجود دارند و این زبان به عنوان زبان غالب و دارای اعتبار در ایران نقش زبان اعطاکننده را در این مناطق بازی می‌کند. بنابراین عجیب نیست که زبان‌های دیگر، واژه‌های زیادی از جمله واژگان پایه را از فارسی قرض‌گیری کنند.

فرهنگ‌های مختلف رفتارهای متفاوتی در برابر پدیده قرض‌گیری دارند. بنابراین جوامع گوناگون نیز در این مورد برخوردهای متفاوتی خواهند داشت. موضوع جالب توجه این است که با این که زبان‌های مورد بررسی در این پژوهش از زبان فارسی برخی از اصطلاحات خویشاوندی را قرض گرفته‌اند اما میزان قرض‌گیری در این زبان‌ها یکسان نبوده است.

در پژوهش حاضر میزان قرض‌گیری اصطلاحات خویشاوندی بر اساس حوزه‌های ساخت‌واژی و معنایی نیز بررسی شد. نتایج تحلیل داده‌ها در نمودارهای مجزا نشان داده شده‌اند. از بین کل داده‌های پیکره پژوهش (۱۵۳ اصطلاح)، ۴۵ مورد واژه خویشاوندی بسیط قرض‌گیری شده‌اند. اما هیچ اصطلاح خویشاوندی مرکبی در فهرست واژه‌های قرض‌گرفته شده نیست. البته باید به این نکته نیز اشاره کرد که تعداد اصطلاحات خویشاوندی مرکب موجود در پرسشنامه ۲ از ۱۷ بوده است که می‌تواند در نتیجه تحلیل مؤثر باشد. نمودار (۱) این وضعیت را نشان می‌دهد.



نمودار ۱. میانگین قرض‌گیری اصطلاحات خویشاوندی ساده در مقابل مرکب در ۴ زبان مورد مطالعه

در پرسشنامه اطللس، ۱۳ اصطلاح خویشاوندی نسبی و ۴ اصطلاح خویشاوندی سببی وجود دارد. نمودار (۲) نشان می‌دهد که میزان قرض‌گیری اصطلاحات خویشاوندی سببی در زبان‌های مورد مطالعه بیش از قرض‌گیری اصطلاحات نسبی و با توجه به تفاوت میزان آن به طور میانگین ۵۰ درصد بود. در حالی که میزان قرض‌گیری اصطلاحات نسبی در همین زبان‌ها، با میانگین ۳۰٫۷٪ درصد برآورد شد.



نمودار ۲. میانگین قرض‌گیری اصطلاحات خویشاوندی سببی در مقابل نسبی در ۴ زبان مورد مطالعه

نمودار (۳) نشان می‌دهد که در مورد اصطلاحات خویشاوندی درجه ۱ و ۲، در زبان‌های عربی و ترکمنی میزان اصطلاحات خویشاوندی قرض‌گیری شده در درجه یک صفر بوده است و هیچ اصطلاح خویشاوندی قرض‌گیری شده درجه یک در این دو زبان مشاهده نشد. در زبان‌های بلوچی و ترکی نیز قرض‌گیری در اصطلاحات خویشاوندی درجه یک بین یک تا چهار واژه دیده شد. به طور میانگین در زبان‌های مورد بررسی، میزان قرض‌گیری اصطلاحات خویشاوندی درجه یک، ۱۴/۲۸ درصد برآورد شد. این در حالی است که میانگین اصطلاحات خویشاوندی قرض‌گیری شده درجه ۲ در این زبان‌ها ۳۵ درصد بود.



نمودار ۳. میانگین قرض‌گیری اصطلاحات خویشاوندی درجه ۲ در مقابل درجه ۱ در ۴ زبان مورد مطالعه

منابع

- بیتس، دانیل و فرد پلاگ (۱۳۷۵). *انسان‌شناسی فرهنگی*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علم.
- ذوالفقاری، سیما (۱۳۸۱). واژه‌های قرضی بررسی زبانی-اجتماعی در سه شهر اهواز و آبادان و مسجد سلیمان. *نشریه نامه فرهنگستان*. (۲۰)، صص. ۱۲۰-۱۳۰.
- صفوی، کورش (۱۳۷۴). واژه‌های قرضی در زبان فارسی. *نشریه نامه فرهنگ*. (۱۹)، صص. ۹۶-۱۱۱.
- علی‌زاده، علی (۱۳۸۲). پدیده قرض‌گیری در زبان. *نشریه ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه بیرجند)*. (۳)، صص. ۱۳۷-۱۴۸.
- Bloomfield, L. (1933). *Language*. New York: Holt, Rinehart and Winston.
- Bowden, J. (2005). Lexical borrowing. *Encyclopedia of linguistics*. Edited by Philipp Strazny. New York: Fitzroy Dearborn
- Bussmann, H. (1998). *Routledge dictionary of language and linguistics*. Teylor & Francis.
- Capuz, J. G. (1997). Towards a typological classification of linguistic borrowing (Illustrated with Anglicisms in Romance languages). *Revista alicantina de estudios ingleses 10: 81-94*
- Clyne, M. (1967). *Transference and triggering*. The Hague.
- Clyne, M. (1987). Grammatical constraints on code-switching-how universal are they?. *Linguistics, 25, 739-64*.
- Clyne, M. (2003). *Dynamics of language contact*. Cambridge: CUP.
- Crystal, D. (2008 [1980]). *A Dictionary of linguistics and phonetics*. Oxford: Blackwell.
- Filppula, M., K. Juhani and H. Paulasto. (2008), *English and Celtic in contact*. Routledge.
- Grosjean, F. (1988). Exploring the recognition of guest words in bilingual speech. *Language and Cognitive Processes, 3: 233-274*.
- Grosjean, F. (1995) A psycholinguistic approach to code-switching: the recognition of guest words by bilinguals. In L. Milroy & P. Muysken (eds.): 259-275.
- Grosjean, F. (1997) Processing mixed language: issues, findings, and models. In A. de Groot & J.F. Kroll (eds.) *Tutorials in bilingualism. Psycholinguistic perspectives: 225-254*. Lawrence Erlbaum.
- Hasplemath, M. (2008). Loanword typology: Steps toward a systematic cross-linguistic study of lexical borrowability. In: Thomas Stolz, Dik Bakker & Rosa Salas Palomo (eds.), *Aspects of language contact: New theoretical, methodological and empirical findings with special focus on Romancisation processes*. Berlin: Mouton de Gruyter.
- Haugen, E. (1950). The analysis of linguistic borrowing. *Language, 26: 210-231*.
- Haugen, E. (1953). *The Norwegian language in America: A study in bilingual behavior*. Philadelphia: University of Pennsylvania Press.
- Hock, H. H. & B. D. Joseph (1996). *Language history, language change, and language relationship: An introduction to historical and comparative linguistics*. Mouton de Gruyter.
- Johanson, L. (1993). Code-copying in immigrant Turkish. In G. Extra & L. Verhoeven (eds.) *Immigrant languages in Europe: 197-221*. Multilingual Matters.
- Matras, Y. (2009). *Language contact*. Cambridge University Press.
- McMahon, A. (1994). *Understanding language change*. Cambridge University Press.
- Morgan, L. H. (1871). *Systems of consanguinity and affinity of the human family*. Washington: The Smithsonian Institution.
- Murdoch, G. P. (1949). *Social structure*. 10th Printing (1965). New York: The Macmillan Company.

- Müller, F. M. (1875). *Lectures on the science of language*. Vol. 1. New York: Scribner, Armstrong.
- Myers-Scotton, C. (2002). *Contact linguistics*. Oxford: Oxford University Press.
- Paul, H. (1886). *Prinzipien der Sprachgeschichte*. Halle: Max Neimeyer.
- Pericliev, V. (2013). *Componential analysis of kinship terminology*. Palgrave Macmillan.
- Poplack, S. (1980). Sometimes I'll start a sentence in Spanish Y TERMINO EN ESPAÑOL: toward a typology of code-switching. *Linguistics* 18: 581–618.
- Poplack, S. & M. Meechan (1995). Patterns of language mixture: nominal structure in Wolof-French and Fongbe-French bilingual discourse. In L. Milroy & P. Muysken (eds.): 199–232.
- Romaine, S. 1995. *Bilingualism*. 2nd ed. Oxford: Blackwell.
- Sapir, E. (1921). *Language*. New York: Harcourt, Brace and World.
- Schmidt, J. (1872). *Die Verwandtschaftsverhältnisse der indogermanischen Sprachen*. Weimar: H. bohlau.
- Schuchardt, H. (1884). *Slawo-deutsches und Slawo-italienisches*. Graz: Leuscher and Lubensky.
- Swadesh, M. (1952). Lexicostatistic dating of prehistoric ethnic contacts. *Proceedings of the American philosophical society*, Vol. 96, 452–463.
- Thomason, S. G. and T. Kaufman (1988). *Language contact, creolization, and genetic linguistics*. Los Angeles: University of California Press.
- Thomason, S. G. (2001). *Language contact an introduction*. Edinbergh: Edinbergh University Press.
- Thomason, S. G. (2006). Language change and language contact. *The Encyclopedia of language and linguistics*. 2nd ed. Elsevier Publition. pp.339-346.
- Thomason, S. G. (2010). Contact explanations in linguistics. *The handbook of language contact*. Edited by Reymond Hickey. Oxford: Blackwell.
- Treffers-Daller, J. (2010). Borrowing. In M., Östman, J. O. and Verschueren, J. (eds.) *Variation and change: pragmatic perspectives. Handbook of pragmatics highlights* (6). Amsterdam, Philadelphia: John Benjamins, pp.17-35.
- Van Coetsem, F. (1988). *Loan phonology and the two transfer types in language contact*. Foris.
- Weinreich, U. (1953). *Languages in contact*. Mouton.
- Winford, D. (2003). *An introduction to contact linguistics*. Oxford: Blackwell.